



## بنیادهای رمانتیک شعر

مسعود دلایز

دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران

### چکیده

پایه‌های فلسفی معین و مدعی تفسیر و تعبیر «واقعی‌تر» حیات و پدیده‌های آن، که در طول تاریخ آغاز و ادامه حیات خویش و حوزه متأثر از این مکتب نه تنها ادبیات بلکه تمام افکار، عقاید، ایده‌های اجتماعی و سیاسی، جنبش‌های مذهبی و حتی اعتقاد را شامل می‌شود. در واقع، رمانتیسم اصطلاحی است که به جنبشی که در ادبیات، سیاست، هنر و فلسفه اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به وجود آمد، اطلاق می‌شود. از این جهت، حوزه کاربرد وسیعی دارد و معانی پیچیده‌ای را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، رمانتیسم بیش از آنکه یک جریان ادبی باشد، مرحله‌ای از حساسیت اروپایی و به نوعی خیزشی اجتماعی - سیاسی - اقتصادی است که در انگلستان و سپس در آلمان و فرانسه ظاهر شد.

پیدایش این مکتب بیانگر مرحله گذار جامعه اروپایی از سنت به مدرنیسم و قرار گرفتن در آستانه تمدن صنعتی است. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب صنعتی، گسترش شهرنشینی، اوج گرفتن طبقه متوسط و بورژوازی شهری، توسعه راه‌های مواصلاتی و رونق بازرگانی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در این نهضت اجتماعی - ادبی - سیاسی هستند. جامعه‌شناسان جوهر رمانتیسم را مبارزه با سرمایه‌داری زیر پرچم ارزش‌های ماقبل سرمایه‌داری و حاصل اعتراض روشنفکرانی می‌دانند که حاکمیت ارزش‌های مادی و تفکر سودجویانه را نفی می‌کنند (سه‌یر و لووی، ۱۳۷۳: ۱۳۱-۱۲۸). آنچه به‌عنوان یکی از مکتب‌های ادبی مورد بحث ماست، مکتبی است که در ربع آخر قرن هجدهم و سی سال اول قرن نوزدهم در ادبیات بروز کرده و نخستین وجه مشخص آن تضاد و مخالفتش با کلاسیسم جدید و اصول و مبادی آن بوده است. اصطلاح رمانتیسم برگرفته از کلمه رمانس Romance و صفت رمانتیک Romantic از کلمه لاتینی «رمانتیکوس» Romanticus گرفته شده است.

ادامه مطلب در وبگاه مجله

رمانتیسم یکی از مکتب‌های اصلی در ادبیات جهان است که در تقابل با خردگرایی نئوکلاسیسم در قرن هجدهم با شعار بیان احساسات آزاد فردی، بازگشت به طبیعت، نگرش تخیلی پا به عرصه وجود گذاشت. این مکتب در دوره مشروطه و بر اثر ترجمه آثار اروپایی در ادبیات ایران ظهور کرد و پس از آن، به یکی از جریان‌های عمده شعر نو تبدیل شد. یکی از شاعرانی که در اشعار خویش به‌طور گسترده از اصول و مبانی این مکتب پیروی کرد، فریدون مشیری بود که توانست معیارهای این مکتب را با هنر، ذوق و تفکر شعری خویش پیوند دهد و اشعاری با مایه‌های رمانتیک بسراید.

اساس در این پژوهش بررسی اصول و نفوذ رمانتیسم و ویژگی‌های آن در شعر مشیری است و اینکه او چگونه توانسته است با تکیه بر اصولی چون توجه به احساسات شخصی و بیان آزاد آن‌ها، نگاه کشف و شهودی به طبیعت و اتکا به تخیل، بر میزان ادبیت کلام شعری خویش بیفزاید.

**کلیدواژه‌ها:** رمانتیسم، فریدون مشیری، انسان‌باوری

### مقدمه

تعریف رمانتیسم همواره با دشواری‌های گوناگون روبه‌رو بوده است، و به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران به جای تعریف رمانتیسم، سعی کرده‌اند با بررسی تاریخ و چگونگی شکل‌گیری این مکتب و بررسی مفاهیم، درون‌مایه‌ها، جنبه‌ها و زمینه‌های آن به شناخت و درک روشن‌تری از آن دست یابند. باید گفت که در تاریخ ادب غرب شاید هیچ‌کدام از مکاتب ادبی به اندازه رمانتیسم همه‌جاگیر و گسترده نبوده باشد. وقتی از رمانتیسم بحث می‌شود، تصور همگانی بیشتر معطوف به احساسات رقیق و غالباً عاشقانه دوران جدایی است، اما برخلاف این تصور معمول، رمانتیسم نه به گل و پروانه و منظره شاعرانه مربوط است و نه به خیال‌پردازی‌ها و سیر در آسمان‌ها، بلکه مکتبی است با جهان‌بینی‌ای مبتنی بر